



۱۱

اکران ناموفق يك فيلم ورزشی، باعث شد سراغ بی‌اعتنایی سینمای ایران به این گونه سینمایی برویم

## ورزش در خاک سینما

هوشنگ مرادی کرمانی، ۴۵ سال پس از خلق «قصه‌های مجید» هنوز با او به این سو و آن سوی جهان می‌رود

## مورد عجیب مرادی



حرف‌های جدید ویل اسمیت درباره علاقه‌اش برای همبازی شدن با مارلون براندو جنجال به پا کرد

## رایانه‌ها یاری کنید

# فرهنگ

پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۱۱



۱۲

# جامعه

پشت صحنه

### امان از ...



پنج نفر بیشتر نیستند! این گروه همسایه را می‌گوییم. کلا پنج نفرند ولی دقیقا به اندازه نیمی از اعضای تحریریه سرو صدا و برو و بیا دارند. هرچند گروه فرهنگی هم دیروز روز پر سرو صدایی را گذراند، ولی با این حال همه شور و شر و سرو صدا و توی سر و کله زدن‌های بچه‌های فرهنگی به اندازه همهمه و سرو صدای این رسانه‌ای‌ها نیست.

حالا از خدا پنهان نیست از شما هم نباشد که هر روز می‌آیند و صفحه ۹ را باز می‌کنند تا ببینند مادر همین ستون نیم‌بند چه چیزی درباره‌شان مرقوم کرده‌ایم.



خلاصه که اهمیت این ستون باید دست‌تان را روز گذشته گروه اما با يك حرکت سنگین شروع شد. بچه‌های گروه منهای يك نفر يك جلسه سنگین کاری با جناب مدیرمسئول داشتند و گفتند و شنیدند. شواهد و قرائن حاکی از آن است که جلسه رو به جلو و مثبتی بوده و خلاصه طرفین خیلی انرژی گرفته‌اند. بعد از جلسه هم راهی شدند تا بروند پی تولید صفحات روز آتچنان که افتد و اندید!

و اما بعد... روز نبوده که فرهنگستان دست روی چیزی بگذارد و واژه‌ای خلق نکند که داستان و حاشیه برایش درست نشده باشد.

التفات دارید که روزهای گذشته فرهنگستان عریض و طویل زبان و ادبیات فارسی، انرژی وافر و خرج کرد تا مگر قضیه‌ای خبری که در فقره معادل فارسی واژه «استارت‌آپ» درست شده بود را جمع کند. ژورنالیست‌های فرهنگی جام‌جم هم منتظر فرصت‌اند تا از هر طبعی و یابیسی برای خودشان سوزه درست کنند.

همین هم شد که زینب مرتضایی‌فرد که همین روزها باید در دانشگاه حاضر شده و از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی‌اش دفاع کند، رفت سراغ یکی از اعضای پیوسته فرهنگستان که دستی هم در واژه‌گزینی دارد و بنشینند و با هم گپ بزنند و راجع به حواشی واژه‌گزینی‌های فرهنگستان با هم کل کل کنند. مشروح این گزارش بازمه را کنار همین ستون بخوانید.

انصافا هر قدر هم که سنگدل باشید نمی‌توانید منکر شوید که بخشی از خاطره جمعی نوستالژیک خیلی از ما دهه شصتی‌ها با قصه‌های مجید‌گره خورده. سرتان را در در نیلوریم که صابر محمدی در صفحه ۱۰ رفته سراغ عمو هوشنگ، نویسنده داستان‌های قصه‌های مجید و استاد را گذاشته زیر عدسی تحلیل و بررسی و درباره‌اش کل گفته و کل شفته. حالا این‌که قضیه و خط و ربط قضیه چیست را خودتان ورق بزنید و غور کنید توی گزارش.



کیک‌اوس خان زیاری هم در صفحه ۱۲ پنجشنبه‌های سینمایی جهان خودش رفته سراغ خاله زنه بازی‌هایی که در مورد يك مارلون براندوی جدید در هالیوود راه افتاده. گزارش بانمک استاد زیاری را از دست ندهید و آخر هفته‌ای داشته باشید پر از اتفاقات سینمای جهان.

### دیدار طاهره صفارزاده

#### با امام (ره)

مراسم بزرگداشت یازدهمین سالروز درگذشت بانوی شاعر، ادیب و مترجم قرآن کریم، طاهره صفارزاده در محل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعایی، مدیرمسئول روزنامه اطلاعات دومین سخنران این مراسم بود که سخنان خود را با بیان چگونگی آشنایی خود با مرحوم صفارزاده شروع کرد و گفت: وقتی حضرت امام خمینی (ره) مسوولیت روزنامه اطلاعات را به بنده داد، شهید بهشتی، بهرام قاسمی را که از همکارانشان در روابط عمومی شورای انقلاب فرهنگی بود برای همکاری به بنده معرفی کرد. قاسمی که با صفارزاده آشنایی داشت، همکاری با ایشان را به ما پیشنهاد داد که ما هم پذیرفیم و خود من به همراه قاسمی به منزل صفارزاده رفتم تا از او دعوت به همکاری کنیم. مرحوم صفارزاده پیشنهاد حضور در روزنامه را به دلایلی نپذیرفت، اما قول داد که هر جا مشورت و کمکی لازم بود، دریغ نکنند. دعایی درباره دیدار صفارزاده با حضرت امام (ره) گفت: در یکی از دیدارهایی که با صفارزاده داشتم، از من خواست برای او وقت دیداری با حضرت امام بگیرم. مسائلی داشت که دلش می‌خواست در فرصتی تنها با امام صحبت کند و مسائلش را با ایشان در میان بگذارد که من هم با مشورت با مرحوم سیداحمد خمینی، قرار ملاقاتی را گرفتم و این دیدار صورت گرفت. در آن مجلس زمانی که صفارزاده را به امام معرفی می‌کردم، شعری از او هم با عنوان «سروش قم» قرائت کردم که خود صفارزاده با او می‌گریست.

عطف

### گرامافون به صدا درآمد

رمان عاشقانه «گرامافون» به قلم علی مرادخانی به‌زودی توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار می‌شود. گرامافون يك رمان عاشقانه با حال و هوای دانشجویی است.

داستان يك سیب سرخ که از دل دانشگاه راه می‌افتد و در این راه از ساختمان‌های قدبلند بالاشهر تهران و مسابقات بین‌المللی هنرهای رزمی تا بادگیرهای باشکوه شهر یزد و از ویرانه‌های زلزله سرپل ذهاب تا خاک نرم شلمچه را به تماشا می‌نشیند.

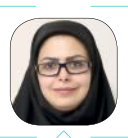
يك عاشقانه آرام جوانانه وطنی که سراسر است از محبت، علی مرادخانی، از فعالان فرهنگی رسانه‌ای جبهه فرهنگی انقلاب است که گرامافون نخستین تجربه داستان نویسی او به حساب می‌آید. این داستان که مضمونی دانشجویی و عاشقانه دارد، به‌زودی توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار می‌شود.

علاقه‌مندان جهت تهیه کتاب می‌توانند بعد از انتشار از طریق سایت من و کتاب (manvaketab.ir) یا از طریق ارسال نام کتاب به سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۴۱ کتاب را با پست رایگان دریافت کنند.

❖ درست است که به هلیکوپتر نمی‌گوییم بالگرد و دفترک هنوز جای بروشور را نگرفته است، قبول که آسانسور همه جا هنوز همین نام را دارد و فقط در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد سعدی (به‌واسطه داشتن مدیر مشترک با فرهنگستان) شده آسانبر اما بزرگراه در ذهن بخش عمده‌ای از جامعه جای اتوبان را گرفته، کامپیوتر شده رایانه و سوبسید هم یارانه. پیامك در زبان مردم از اس‌ام‌اس پیشی گرفته و پویانمایی هم تا حدی توانسته جانشین واژه بیگانه انیمیشن شود.

این واژه‌ها و چنده واه دیگر را همین چند روز پیش با خودمان بررسی کردیم، وقتی دیدیم اعلام شده فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه شرکت نوافقرین را برابر استارت‌آپ انگلیسی

معادل سازی کرده است، رفتیم سراغ کلمه‌هایی که گروه واژه‌گزینی فرهنگستان پیشتر انتخاب کرده است، برخی موفق بوده‌اند و برخی دیگر هم نه. گاهی هم فعالیت‌های این گروه بازار شوخی‌ها را در جامعه حساسی گرم کرده و خلاصه حواشی، موفقیت و ناموفقیت‌هایی داشته است.



زینب مرتضایی‌فرد

فرهنگ و هنر

#### ۱۰ قرن واژه‌گزینی در ایران!

بخش عمده‌ای از جامعه فکر می‌کند واژه‌گزینی و معادل‌سازی در برابر واژه‌های بیگانه می‌رسد به همین یکی دو دهه پیش و تبلیغ‌های تلویزیونی که با عنوان فارسی را پاس بداریم، سعی می‌کردند به جامعه بیاموزند از کلمه‌های فارسی استفاده کنند، اما این تصور اشتباه است و آن‌طور که دکتر طباطبایی می‌گوید سابقه این ماجرا در ایران به زمان بزرگانی چون بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و جوزجانی برمی‌گردد. یعنی این اتفاق در ایران حدود ده قرن عمر دارد و در قرن‌های چهار و پنج هم سابقه دارد.

سپس در سال ۱۳۱۴ و در دوره مظفرالدین شاه پی‌گرفته شده است. هر چند قبل از آن هم چند انجمن برای همین امر در ایران فعالیت می‌کرده‌اند. این نکات را علاءالدین طباطبایی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی که در شورای واژه‌گزینی هم فعال است، بیان می‌کند و می‌افزاید: در دوره مظفرالدین شاه برای اولین بار واژه راه آهن به کار می‌رود تا جای لغات بیگانه شمن دوفر فرانسوی و ریل‌وی انگلیسی که با این پدیده جدید وارد ایران شده بودند را بگیرد و البته هم موفق می‌شود. این مدرس دانشگاه ادامه می‌دهد: دلیل موفقیتش هم این است که دولت و رسانه از آن استفاده می‌کنند. مردم وقتی وارد جامعه می‌شوند. لغت راه‌آهن را دیده، شنیده و می‌پذیرند.

#### ❖ وقتی همه به فرودگاه می‌خندیدند

روایتی با پدیده‌های تازه جهان مدرن با ورود آنها به ایران با لغات جدید و تازه‌ای همراه است. لغاتی که از نظر طباطبایی تنها با پشتوانه دولت و کاربرد رسانه‌ها می‌توانند گوشه‌نشین شده و معادل فارسی‌اش را به ذهن و زبان مردم وارد کنند. او در ادامه به بیان نکته جالب دیگری هم پرداخته و می‌گوید: کلمه‌های دانشگاه، دانشجو، دانشکده و بسیاری واژه‌های دیگر به همین ترتیب در میان مردم جا باز کرده‌اند، اما شاید باورتان نشود که جامعه

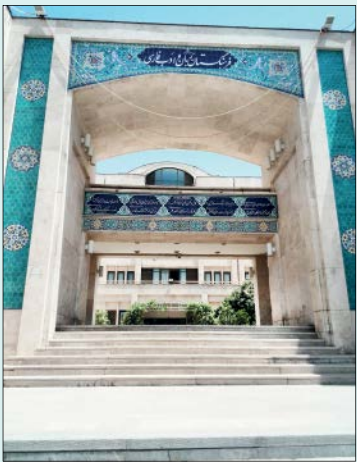
بعد از این همه سال ماکرارش می‌کنیم. فرودگاه اما به نظر ما که امروزه استفاده‌اش می‌کنیم، می‌تواند واژه زیبایی باشد، از فرود می‌گوید، اما فرود هواپیما معنای رسیدن دارد و چه بهتر از رسیدن. شاید بتوان با این معادل سازی‌های کشورهای مختلف هم کاری پژوهشی انجام داد و دید هر فرهنگی از چه زاویه‌ای دست به معادل‌سازی‌ها می‌زند.

#### ❖ عجیب و غریب‌سازی نداریم

سؤال مهم دیگری که می‌توان مطرح کرد، این است که شورای واژه‌گزینی فرهنگستان بر چه اساسی واژه‌ها را انتخاب می‌کند و چه معیارهایی دارد؟ آیا بیشتر درگیر بحث‌های دستوری و فنی واژه است یا به بعد زیبایی‌شناسی آن و دربرگیری‌اش در عامه مردم هم توجه دارد؟ طباطبایی که دکترای زبان‌شناسی داشته و مقوله زبان، افت و خیزهای آن را در بستر زمان می‌شناسد، سعی می‌کند به دقت و با زبانی ساده در این‌باره توضیح دهد.

او می‌گوید: طبیعتا در گزینش واژه و معادل سازی

### ۷۰ هزار واژه تنفس تازه برای زبان فارسی



جالب است بدانید که فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌طور رسمی در سال ۱۳۱۴ کار خود را آغاز کرده است. ماجرا این بوده که ابتدا در سال ۱۳۰۳ نمایندگان چند وزارتخانه از جمله معارف تصمیم گرفتند تا انجمنی برای رسیدگی به وضعیت واژگان نوظهور تشکیل دهند. این انجمن تشکیل و در طول هشت سال فعالیت از ورود واژه‌های بی‌شمار غریب به زبان فارسی جلوگیری کرد و ۳۰۰ واژه چون فرودگاه، خلیان، هواسنج، هواپیما و... از جمله ثمرات این انجمن ادبی بوده است.

بعدتر تشکیل سازمانی رسمی به نام فرهنگستان با هدف نشاندن واژه‌های فارسی به جای کلمات غریبی سبب می‌شود تا در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ خورشیدی این تصمیم اجرایی و فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی تشکیل شود. حسین گل‌گلاب، محمود حسابی و رضازاده تا ۱۳۱۹ خورشیدی ۴۰۰ واژه جدید پیشنهاد دادند به طوری که شماری از آنها هنوز در کتاب‌های درسی دبیرستانی و دانشگاهی امروزی دیده می‌شوند. سپس در ادامه این مسیر در پنجم مرداد ۱۳۴۷ خورشیدی فرهنگستان زبان ایران (دوم) تشکیل و در این دوره، چهار پژوهشکده واژه‌گزینی، گردآوری واژه‌های فارسی، زبان‌های باستانی و میانه و دستور زبان به یاری وزیر فرهنگ و هنر و دیگر اعضای فرهنگستان بنا شده و تا قبل از پیروزی انقلاب به کار خود ادامه می‌دهد.

پس از انقلاب هم از سال ۱۳۶۸ دوباره فرهنگستان فعالیت خود را از سر گرفته و از سال ۱۳۷۴ هم به‌طور جدی به معادل‌سازی در برابر واژه‌های بیگانه مشغول می‌شود. آن‌طور که طباطبایی می‌گوید تاکنون ۷۰ هزار واژه بیگانه فرهنگستان معادل‌سازی شده‌اند، این یعنی ۷۰ هزار لغت تازه برای تنفس تازه به زبان فارسی تقدیم شده است و این رقم کمی نیست برای زبانی که بخشی از زیباترین و ماندگارترین ادبیات و اشعار جهان را در دل خود دارد.

دکتر طباطبایی می‌گوید فرهنگستان معادل برای پیتزای معروفی نگذاشته است



بعد دستوری، مهم‌ترین مساله است. باید واژه‌ای را جایگزین کرد که از نظر دستور زبان فارسی هم دست باشد، اما دقت می‌کنیم واژه‌ها برای جامعه عجیب و غریب هم نباشد. خوش‌آهنگ بوده و تنافر‌آویی نداشته باشد. طباطبایی تأکید می‌کند که همه این موارد مهم است، اما مهم‌ترین مساله این است که رسانه‌ها واژه‌های معادل‌سازی شده را جایگزین واژه‌های بیگانه کرده و آنها را کم‌کم وارد زندگی مردم کنند. همان‌طور که جامعه پذیرفته بگوید پیامك، با تلاش رسانه‌ها می‌تواند دفترک را هم به‌عنوان جایگزین بروشور ببذیرد.

حالا چه رسانه‌ها و چه دولت، جا انداختن برخی واژه‌ها برای مردم دشوار است. این را طباطبایی هم تأیید کرده و می‌گوید: هر چه عمر ورود لغتی به جامعه طولانی‌تر باشد جا انداختن معادل فارسی‌اش هم دشوارتر است. وقتی می‌گویم پس با این حساب باید روز دست به کار شد و زمان را از دست نداد، این نکته را تأیید کرده و ساختن معادل برای استارت‌آپ را نمونه‌ای از این اتفاقات می‌داند که قبل از همه‌گیر شدن لغت بیگانه رخ داده و می‌تواند موفق باشد.

#### ❖ می‌شنویم، ناراحت نمی‌شویم

شوخی‌ها هم با معادل سازی‌های فرهنگستان کم نبوده‌اند. نمونه‌اش همین کش لقمه به جای پیتزا و دراز آویز زینتی جای کراوات است! همان ابتدا که مطرح می‌کنم، طباطبایی صریحا می‌گوید ما هم این شوخی‌ها را می‌شنویم و تا به حال به خیلی‌ها هم توضیح داده‌ایم که اینها شوخی با کار ماست، شوخی‌هایی که البته ناراحتان نمی‌کند.

او می‌افزاید: مردم ما دوست دارند با همه چیز شوخی کنند، شاید در دیگر نقاط دنیا هم همین‌طور باشد اما در هر صورت این اتفاق‌ها عادی است. حتی اگر معادل‌سازی‌های ما را هم به شوخی و تمسخر بگیرند اتفاق عجیبی نیست. مگر روزگاری در همین کشور به فرودگاه نمی‌خندیده‌اند، اما حالا همه تکرارش می‌کنند. این عضو پیوسته فرهنگستان تأکید می‌کند که هر واژه‌ای را حتی فارغ از کیفیتش دولت و رسانه می‌تواند در جامعه جا بپندازد. ❖